

شیوه تولید امپریالیستی چیست؟

پروفسور شاپور رواسانی

با توجه به ساختار اقتصادی جامعه جهانی می توان مفهوم شیوه تولید امپریالیستی را به این فهرست افزود؛ شیوه تولیدی که بر اقتصاد جهانی سایه افکنده است.

امروز به علت گسترش امپریالیسم سرمایه داری در جهان، افزایش روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی میان جوامع بشری، و درهم تنیدن این روابط و آثار متقابل ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جوامع بر یکدیگر، نمی توان برای شناخت ویژگیهای شیوه تولید مسلط و صورت بندی اجتماعی در يك جامعه معین، تنها به بررسی ساختار اجتماعی - اقتصادی درونی همان جامعه بسنده کرد و به پیامدهای تعیین کننده حضور عناصر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و نظامی که از «بیرون» بر این جامعه و شیوه تولید مسلط و ساختار طبقاتی آن اثر گذاشته و می گذارد پرداخت. در اقتصاد همه جوامع، عوامل «درونی» و عوامل «برونی» در همه زمینه ها به هم آمیخته اند.

با بررسی دقیق و علمی ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی همه جوامع در شرایط کنونی آشکار می شود که این ساختارها در هر يك از این جوامع، بر آیندروندی است که با پیدایش کلنیالیسم و گسترش امپریالیسم سرمایه داری در جامعه جهانی آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

با توجه به این روند (درهم آمیختگی عناصر بیرونی و درونی) می توان از شیوه تولید امپریالیستی بعنوان شیوه تولید مسلط در جهان امروز سخن گفت که عوامل سازنده شیوه های تولید و ساختار اجتماعی همه جوامع

در بررسی های کلاسیک که تاکنون درباره شیوه های تولید انجام گرفته و انتشار یافته، موضوع بررسی و تحقیق، شناخت عناصر و عوامل و روابط اقتصادی در يك جامعه معین، در دوره تاریخی معین بوده است.

در این بررسی، عناصر داخلی سازنده هر جامعه و شیوه تولید (دربرگیرنده ابزارهای تولید و روابط تولیدی) مورد بررسی قرار می گیرد و مسئله روابط اقتصادی و حقوقی در زمینه مالکیت و حاکمیت بر ابزارهای تولید و روابط تولیدی و توزیعی در همان جامعه مطرح می شود.

نیروهای تولیدی دربرگیرنده ابزارهای تولید (منابع طبیعی، صنایع و...)، نیروی کار انسانی و روابط تولیدی دربرگیرنده رابطه انسانها در زمینه تولید، تقسیم و مبادله است.

همچنین در معرفی و شناخت صورت بندی اجتماعی عام جامعه معین در دوره معین آثار و روابط متقابل تولید مسلط با داده های فرهنگی، حقوقی و سیاسی همان جامعه در همان دوره مطرح و در بررسی علت یا علل دگرگونیهای اقتصادی - اجتماعی، دگرگونی یا تکامل شیوه تولید از مرحله ای به مرحله دیگر، شرایط اقتصادی و اجتماعی همان جامعه معین در دوره معین مورد بررسی قرار می گیرد.

در بررسی های مربوط به چگونگی و نامگذاری شیوه های تولید، تاکنون سخن از شیوه های تولید آسیایی، برده داری، فئودالیسم، سرمایه داری و سوسیالیسم و مستعمراتی به میان آمده است. اما امروز

بی‌بررسی ساختار بخش دیگر (مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته‌شده) ممکن نیست. گفتنی است که با وجود این یکپارچگی و به‌علت همین یکپارچگی، تضادی آشفتنی‌ناپذیر و درونی بر روابط اجتماعی جوامع نیز حاکم است و مبارزه طبقاتی محرومان و ستمدیدگان با متجاوزان به حق حیاتشان در همه جوامع به شیوه‌های گوناگون ادامه دارد و گسترش می‌یابد.

در این نوشتار، برای توضیح و تشریح نظری که ابراز شد، دو بخش از شیوه تولید امپریالیستی که چنان‌که گفته شد در عمل یک کل را می‌سازند، جداگانه بررسی می‌شود تا خطوط ارتباطی و پیوستگی آنها با یکدیگر چه آشکار و چه پنهان روشن شود. در شیوه تولید امپریالیستی، مرزهای جغرافیایی، سیاسی، ملی و قومی اهمیت خود را از دست داده و آنچه مردمان را به گروهها تقسیم می‌کند، مرزهای طبقاتی است. در زیر به این

○ شیوه تولید امپریالیستی حاکم بر اقتصاد جهان، آمیزه‌ای است از دو شیوه تولید سرمایه‌داری و شیوه تولید مستعمراتی. این دو یک کل را می‌سازند و چنان‌که در همه زمینه‌ها در هم تنیده‌اند که توضیح ساختار یک بخش آن (کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی)، بی‌بررسی ساختار بخش دیگر (مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته‌شده) ممکن نیست. گفتنی است که با وجود این یکپارچگی و به‌علت همین یکپارچگی، تضادی آشفتنی‌ناپذیر و درونی بر روابط اجتماعی جوامع نیز حاکم است و مبارزه طبقاتی محرومان و ستمدیدگان با متجاوزان به حق حیاتشان در همه جوامع به شیوه‌های گوناگون ادامه دارد و گسترش می‌یابد.

را در بر می‌گیرد و به هم می‌آمیزد. بی‌شناخت چندوچون این آمیزش، نه تنها نمی‌توان رویدادهای اقتصادی، سیاسی و نظامی و برخورد های طبقاتی در سطح جهان و جوامع گوناگون را توضیح داد، بلکه شناخت و تبیین درست و علمی ساختار طبقاتی - اجتماعی و ریشه‌یابی رویدادها و دگرگونیهای سیاسی و اقتصادی در هر یک از جوامع نیز ممکن نخواهد بود.

لنین در کتاب توسعه سرمایه‌داری در روسیه (۱۸۹۶-۹) می‌نویسد:

«نیاز یک کشور سرمایه‌داری به داشتن بازار خارجی به هیچ‌رو با قوانین تحقق محصول اجتماعی (بویژه ارزش اضافی) تعیین نمی‌شود بلکه نخست، خود را در پرتو این حقیقت که سرمایه‌داری تنها در نتیجه گردش کالایی به‌گونه گسترده که از مرزهای کشور در می‌گذرد نشان می‌دهد. بنابراین ناممکن است که بتوان یک ملت سرمایه‌داری بدون بازار خارجی را در نظر آورد. چنین ملتی وجود ندارد.»

به این سخنان که در مرحله ویژه‌ای از اقتصاد جهان به زبان آمده است، با توجه به آنچه امروز در سطح جهان جریان دارد، می‌توان این نکته را افزود که سرمایه‌داری (امپریالیسم سرمایه‌داری) گذشته از گردش کالا، به گردش سرمایه و سلطه بر منابع طبیعی و بازار کار جهانی نیز وابسته شده است.

کشورهای سرمایه‌داری توانسته‌اند شیوه تولید خود را نه تنها با سلطه بر بازار کالاها، بلکه با سلطه بر «بازارهای جهانی سرمایه» و «بازار جهانی نیروی کار» و منابع طبیعی در مستعمرات حفظ کنند و گسترش دهند. سلطه (شیوه تولید امپریالیستی) در سطح جهانی موجب شده که در بخش مستعمرات و در کشورهای عقب‌نگهداشته‌شده، شیوه تولید سرمایه‌داری (در نتیجه صنعتی شدن) پدید نیاید و شیوه تولیدی مسلط گردد که آنرا شیوه تولید مستعمراتی می‌خوانیم.

امروزه شیوه تولید امپریالیستی حاکم بر اقتصاد جهان، آمیزه‌ای است از دو شیوه تولید سرمایه‌داری و شیوه تولید مستعمراتی. این دو یک کل را می‌سازند و چنان‌که در همه زمینه‌ها در هم تنیده‌اند که توضیح ساختار یک بخش آن (کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی)،

فقر همگانی (پاپوریس) پدیده‌ای فراگیر بود. اما در دوره‌ای که با کلنیالیسم، غارت و تصرف مستعمرات آغاز شد و با گسترش امپریالیسم سرمایه‌داری دنبال شد (که هنوز ادامه دارد) طبقه سرمایه‌دار این کشورها توانست با شیوه‌های گوناگون نظامی، سیاسی و بازرگانی بر منابع بزرگ طبیعی و نیروی کار و بازارهای مستعمرات چنگ اندازد و با روشها و ترفندهای رنگارنگ به غارت خود در این سرزمین‌ها ادامه دهد.

ویژگیهای برجسته این بخش از

شیوه تولید امپریالیستی

- انباشت سرمایه و ثروت در جوامع سرمایه‌داری کنونی حاصل غارت کلنیالیستی و امپریالیستی است که هنوز هم ادامه دارد.

- با بهره‌گیری از این انباشت، تکامل ابزارهای تولید و ابزارهای فنی و صنعتی در زمینه‌های گوناگون هنوز هم بیشتر در این جوامع انجام می‌گیرد.

- حرکت سود به دست آمده از فروش کالا و سرمایه‌گذاری‌ها و وامها از مستعمرات به سوی این جوامع است.

- کشورهای سرمایه‌داری (اروپا، آمریکا، ژاپن) از دید اقتصادی در هم ادغام شده‌اند.

- با تشکیل شرکتهای چند ملیتی (که سرمایه آنها بیشتر به سرمایه‌داران جوامع سرمایه‌داری امپریالیستی تعلق دارد) مراکز علمی و تولیدی در یک کشور گرد نیامده است. بخشی از مراکز تولیدی در جوامع سرمایه‌داری و بخشی در مستعمرات قرار دارد (کار ارزان) اما مرکزیت علمی، مالی و اداری در بخش سرمایه‌داری استعماری است.

- جوامع مستعمراتی بازار فروش، مرکز بهره‌برداری از نیروی کار ارزان و صادرکننده مواد خام هستند.

- شیوه تولید امپریالیستی را می‌توان در ساختار و کارکرد شرکتهای چند ملیتی به خوبی نشان داد.

- مراکز صنعتی جوامع سرمایه‌داری با حفظ مرکزیت، مالکیت و سلطه همه‌جانبه خود، تولید بخشی از کالاهای صنعتی را به بازار کار ارزان مستعمرات منتقل کرده‌اند، اما انباشت سود و سرمایه در جوامع

○ به علت وابستگی تولیدات صنعتی جوامع سرمایه‌داری به مواد اولیه و کانی از مستعمرات، چرخه تولید و به سخن دیگر زندگی اقتصادی این جوامع به واردات (نفت، گاز، مواد معدنی...) از یک سو و به بازار فروش کالاهای ساخت این جوامع در مستعمرات وابسته است. از این رو چنانچه صدور مواد اولیه از مستعمرات به جوامع سرمایه‌داری قطع شود، نه تنها همه صنایع در این جوامع از کار خواهد افتاد و بیکاری و تهیدستی آنها را دربر خواهد گرفت، بلکه صورت‌بندی اجتماعی این جوامع نیز سخت و به تندی دگرگون خواهد شد.

نکته می‌پردازیم:

۱- شیوه تولید مسلط در بخش سرمایه‌داری

۲- شیوه تولید مسلط در بخش مستعمرات و

کشورهای عقب‌نگهداشته شده

۱- در مورد بخش سرمایه‌داری مهاجم و تجاوز شیوه تولید امپریالیستی می‌توان یادآور شد که در نخستین مراحل پیدایش و رشد شیوه تولید سرمایه‌داری، ابزار و وسایل تولید صنعتی در درون این جوامع، مراحل پیدایش و تکامل خود را می‌گذراند و بر اثر این رشد و تکامل، تولید صنعتی در درون این جوامع رفته رفته دگرگون شد و دو طبقه سرمایه‌دار صنعتی ملی (بورژوازی) و کارگر (صنعتی - شهرنشین) طبقات اصلی این جوامع را تشکیل دادند (امروزه تکنوکراتها، بوروکراتها و شاغلان در بخش توزیع رابط این دو طبقه‌اند). در نخستین مراحل رشد شیوه تولید سرمایه‌داری، انباشت سرمایه که شرط اصلی و اساسی رشد صنایع بود با غارت خشن و سخت نیروی کار ارزان (زنان و کودکان) در درون همان جوامع تأمین می‌شد و

خواهد شد؛ و اگر صنایع در مستعمرات پیشرفت کند و گسترش یابد و این سرزمینها دیگر بازار خرید نمانند، کشورهای سرمایه‌داری استعماری ورشکست خواهند شد.

با توجه به این نکات روشن است که اگر در بررسی شیوه تولید امپریالیستی از ابزارهای تولید سخن گفته می‌شود، مراد تنها ابزارهایی نیست که در چارچوب جغرافیایی جوامع سرمایه‌داری استعماری وجود دارد، بلکه مراد ابزارهایی تولیدی نیز هست که در مستعمرات، زیر مالکیت و حاکمیت این جوامع است و اگر به روابط تولیدی اشاره می‌شود، منظور روابط تولیدی در سطح جهانی است که دو بخش سرمایه‌داری و مستعمراتی را در بر می‌گیرد.

۲- شیوه تولید در مستعمرات

مهمترین ویژگیهای شیوه تولید مستعمراتی: - مهمترین ابزارهای تولید در صنایع، بیشتر وارداتی

○ بر پایه شیوه تولید امپریالیستی، جابه‌جاشدن کالا و سرمایه میان جوامع آزاد است و تشویق می‌شود، ولی در راستای پاسداری از منافع اقتصادی بخش سرمایه‌داری استعماری، حرکت آزاد نیروی کار انسانی از مستعمرات به کشورهای صنعتی مقدور نیست و با شیوه‌های پلیسی و کاربرد زور و حتی کشتار از آن جلوگیری می‌شود. تنها بسته به نیاز بخش سرمایه‌داری استعماری، آنهم به گزینش مراکز علمی، صنعتی و امنیتی شماری اندک از کسانی که می‌توانند در زمینه تولید کالا و پیشبرد دانش خدمتی انجام دهند، پروانه ورود از مستعمرات به سرزمینهای سرمایه‌داری استعماری به دست می‌آورند.

سرمایه‌داری انجام می‌گیرد.

- دولتها در جوامع سرمایه‌داری در روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و در رویارویی و دادوستد با مستعمرات در یک صف قرار دارند و با ابزارهای اقتصادی و در صورت لزوم نظامی، دست در دست هم، امتیازات و منافع طبقه حاکم وابسته به خود را در مستعمرات حفظ می‌کنند.

- جوامع سرمایه‌داری استعماری می‌کوشند به هر وسیله ممکن (در صورت لزوم ترور و حمله نظامی) سلطه خود بر معادن، منابع طبیعی، بازار کالا، سرمایه و کار در مستعمرات را حفظ کنند و از تکامل ابزارهای تولید، انباشت سرمایه و سرانجام صنعتی شدن مستعمرات جلوگیری کنند.

- در سایه سلطه دولتها و جوامع سرمایه‌داری استعماری بر مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته شده، در این سرزمینها طبقه‌ای به نام طبقه پیوسته به استعمار پدید آمده که پایگاه اجتماعی دولتها در بیشتر این جوامع است و خود بخشی از سرمایه‌داری استعماری به‌شمار می‌آید.

- امروزه کارگران و کشاورزان و مردم جوامع سرمایه‌داری استعماری با بهره‌مندی از غارتها و جنایات امپریالیسم سرمایه‌داری در مستعمرات و به هزینه محرومان در این سرزمینها، در راه مادی نسبی به سر می‌برند. تضاد کار و سرمایه در جوامع سرمایه‌داری، به بهای قربانی شدن توده‌های تهیدست در مستعمرات، تبدیل به تفاهم، همکاری و صلح طبقاتی شده است.

- به علت وابستگی تولیدات صنعتی جوامع سرمایه‌داری به مواد اولیه و کانی از مستعمرات، چرخه تولید و به سخن دیگر زندگی اقتصادی این جوامع به واردات (نفت، گاز، مواد معدنی...) از یک سو و به بازار فروش کالاهای ساخت این جوامع در مستعمرات وابسته است. از این رو چنانچه صدور مواد اولیه از مستعمرات به جوامع سرمایه‌داری قطع شود، نه تنها همه صنایع در این جوامع از کار خواهد افتاد و بیکاری و تهیدستی آنها را در بر خواهد گرفت، بلکه صورت‌بندی اجتماعی این جوامع نیز سخت و به تندی دگرگون

جوامع سرمایه‌داری استعماری به مستعمرات منتقل شده است.

- فرار نیروی کار چه پنهان (در کالاهای کشاورزی، صنعتی و معدنی) و چه آشکار، از آثار شیوه تولید مستعمراتی است.

- سرمایه‌داران خارجی، بر پایه فرار داده‌های گوناگون، بر منابع بزرگ درآمد کشور چنگ انداخته‌اند.

- کوچ کشاورزان جویای کار و نان به شهرها، به خالی شدن روستاها و کاهش فرآورده‌های کشاورزی انجامیده است.

- جذب نشدن نیروی کار در شهرها، به علت کمبود مراکز تولیدی، زمینه‌ساز افزایش کارهای کاذب، پدید آمدن مناطق بزرگ فقیرنشین و بالا گرفتن فساد اخلاقی و اجتماعی شده است.

- بیکاری، کم کاری و چند شغل داشتن، فراگیر است.

- در سایه نبود یا کمبود صنایع سنگین و توسعه نیافتگی صنایع، طبقه کارگر صنعتی شهرنشین ضعیف است و سازمانی مستقل ندارد. در بیشتر مستعمرات، کارگران در سازمانهای زیر نظارت دولت متمرکزند و هدایت می‌شوند.

- سرمایه‌دار ملی (طبقه متوسط) سخت ناتوان شده و در بیشتر موارد به دلیل یا توزیع کننده کالاهای وارد شده از جوامع سرمایه‌داری استعماری، یا کارگزار و شریک کوچک سرمایه‌داران بیگانه تبدیل شده است.



بر پایه شیوه تولید سرمایه‌داری کلاسیک، حرکت کالا، سرمایه و نیروی کار از قیدوبندهای حقوقی و سیاسی آزاد است و باید آزاد باشد و آزاد بماند، و گر نه این شیوه تولید امکان رشد و گسترش نخواهد داشت. نیروی کار باید همانند کالا و سرمایه، بی‌برخورد به مرزها و موانع، بسته به نیازهای سرمایه و بازار، امکان جابه‌جا شدن داشته باشد تا بتواند در مراکزی که سرمایه تعیین می‌کند به کار در چارچوب اقتصاد ملی بپردازد. اگر حرکت نیروی کار آزاد نباشد، شیوه تولید سرمایه‌داری کلاسیک هم در میان نخواهد بود. رها شدن جابه‌جایی نیروی کار از قیدوبندهای حقوقی و سیاسی و اداری، یکی از برجسته‌ترین هدفهای سرمایه‌داری در مبارزه با فئودالیسم در اروپا بود. بر پایه شیوه تولید

است؛ از این رو صنایع از دید فنی وابسته به جوامع سرمایه‌داری استعماری است و در صورت لزوم، ابزارهایی تولیدی که از نظر فنی و علمی درجه ۲ یا ۳ شناخته می‌شود، در اختیار مستعمرات قرار می‌گیرد.

- تکامل ابزارهای عمده تولید صنعتی در جوامع مستعمراتی انجام می‌شود. در سایه نفوذ و حضور سرمایه‌ها و سازمانهای مالی و صنعتی جوامع سرمایه‌داری، دستاوردهای علمی و صنعتی در مستعمرات وارد بدنه صنعتی مستعمرات نمی‌شود و به «خارج» می‌رود (فرار علم و مغزها)؛ پیوندی میان دانش و صنعت یا وجود ندارد یا اگر هست بسیار ناچیز است.

- فضای علمی، پژوهشی و فنی به گونه چشمگیر وابسته به جوامع استعماری است.

- به علت وارد شدن کالاهای صنعتی ساخت جوامع سرمایه‌داری، صنایع مادر و سنگین و زیربنایی یارشدی ندارد یا رشدشان بیشتر محدود و در زمینه‌هایی ویژه است.

- منابع طبیعی (نفت، گاز، مواد کانی، ...) بیشتر زیر نفوذ سرمایه و تکنولوژی جوامع سرمایه‌داری است.

- فروش مواد کانی خام (نفت، گاز طبیعی و ...) بزرگترین سرچشمه درآمد مستعمرات است و این درآمد به پای کالاهای وارد شده از جوامع سرمایه‌داری می‌ریزد.

- چرخه سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و مبادله در سایه سلطه کالاها و سرمایه‌های خارجی، وابسته به جوامع استعماری است.

- چرخه اقتصاد درون‌گرا نیست بلکه برون‌گرا است.

- فرار سرمایه به جوامع سرمایه‌داری استعماری از راههای گوناگون صورت می‌گیرد:

پرداخت کسری بازرگانی خارجی، خرید جنگ‌افزار، انتقال سرمایه به شیوه‌های قانونی و غیرقانونی، پرداخت بهره و امه‌های خارجی.

- سرمایه تجاری (بازار) بر سرمایه صنعتی و بر بازرگانی خارجی سایه افکن است و حاکمیت سیاسی نقش بنیادی و تعیین کننده در اقتصاد دارد.

- نیروی کار ارزان و سطح زندگی زحمتکشان در همه رسته‌ها پایین است.

- فقر همگانی ناشی از شیوه تولید (Pauperism) از

○ تولید مستعمراتی در مستعمرات، سرچشمه درآمد و مایه زندگی جوامع سرمایه‌داری استعماری در چارچوب شیوه تولید امپریالیستی است. اگر رابطه کالایی میان این دو بخش بریده شود، چیزی که به تندی و پیش از همه فرو می‌پاشد، بخش جوامع سرمایه‌داری است زیرا تولید در همه زمینه‌ها متوقف خواهد شد؛ در حالی که زندگی انبوهی از مردمان که در مستعمرات با فقر دست به گریبانند، در سایه پایین بودن سطح مصرف، با خطری بزرگ روبه‌رو نخواهد شد و تنها طبقات و گروه‌های اجتماعی دارا و مرفه در این سرزمینها آسیب خواهند دید.

پیوسته» به استعمار در این جوامع فراهم می‌شود.



تولید مستعمراتی در مستعمرات، سرچشمه درآمد و مایه زندگی جوامع سرمایه‌داری استعماری در چارچوب شیوه تولید امپریالیستی است. اگر رابطه کالایی میان این دو بخش بریده شود، چیزی که به تندی و پیش از همه فرو می‌پاشد، بخش جوامع سرمایه‌داری است زیرا تولید در همه زمینه‌ها متوقف خواهد شد؛ در حالی که زندگی انبوهی از مردمان که در مستعمرات با فقر دست به گریبانند، در سایه پایین بودن سطح مصرف، با خطری بزرگ روبه‌رو خواهد شد و تنها طبقات و گروه‌های اجتماعی دارا و مرفه در این سرزمینها آسیب خواهند دید. تلاش جوامع مستعمراتی برای رهایی از شیوه تولید مستعمراتی، حرکتی است در راستای آزادی بشر از شیوه سیاه و زیانبار تولید امپریالیستی؛ روندی که جوامع سرمایه‌داری سخت در برابر آن می‌ایستند.

امپریالیستی، جابه‌جا شدن کالا و سرمایه میان جوامع آزاد است و تشویق می‌شود، ولی در راستای پاسداری از منافع اقتصادی بخش سرمایه‌داری استعماری، حرکت آزاد نیروی کار انسانی از مستعمرات به کشورهای صنعتی مقدر نیست و با شیوه‌های پلیسی و کاربرد زور و حتی کشتار از آن جلوگیری می‌شود. تنها بسته به نیاز بخش سرمایه‌داری استعماری، آنهم به گزینش مراکز علمی، صنعتی و امنیتی شماری اندک از کسانی که می‌توانند در زمینه تولید کالا و پیشبرد دانش خدمتی انجام دهند، پروانه ورود از مستعمرات به سرزمینهای سرمایه‌داری استعماری به دست می‌آورند.

دیگر اینکه در چارچوب شیوه تولید امپریالیستی، بازار نفت و گاز و جنگ افزار، بیرون از حوزه دخالت و نظارت سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان بازرگانی جهانی و در دست سازمانهای مالی دولتها در جوامع سرمایه‌داری استعماری قرار دارد. امروزه چارچوب شیوه تولید امپریالیستی، مواد معدنی و خام و کار ارزان از جوامع مستعمراتی به جوامع سرمایه‌داری استعماری صادر می‌شود و با بهای آنها (که بهار اچه مستقیم و چه غیر مستقیم طبقات سرمایه‌دار در بخش سرمایه‌داری استعماری تعیین می‌کنند)، کالاهای صنعتی از این جوامع خرید می‌شود، به گونه‌ای که بخش بزرگی از بهای مواد کانی و خام فروخته شده، بار دیگر به سوی جوامع سرمایه‌داری جریان می‌یابد و مایه رونق اقتصاد و گسترش تولید در آنها می‌شود. انباشت ثروت و سرمایه هم در جوامع سرمایه‌داری استعماری انجام می‌گیرد.

در چارچوب شیوه تولید امپریالیستی، ابزارهای عمده صنعتی و مراکز بزرگ علمی و پژوهشی و فنی در جوامع سرمایه‌داری استعماری قرار دارد. درست است که در پاره‌ای از مستعمرات هم صنایع سنگین وجود دارد، اما این صنایع در سنجش با آنچه در جوامع سرمایه‌داری است و پیوسته بهبود و گسترش می‌یابد، از دید فنی و علمی کهنه و عقب مانده و وابسته به خارج است. روابط تولیدی هم در جامعه جهانی بیشتر از راه سازمانهای اقتصادی در جوامع سرمایه‌داری یا سازمانهای بین‌المللی که زیر نفوذ این جوامع است تعیین می‌شود. زمینه نفوذ، سلطه و مالکیت سرمایه‌داران استعمارگر بیگانه بر مستعمرات، از راه «بخش خصوصی» و «طبقه